

تحول تلفظ لغات فارسی*

« در ترجمه حال آن صوفی آورده اند که شبی در گلستانی که عطر گلپایش مشام جان را تازه می کرد در زیر درخت چناری چراغی برافروخته و چشم ها را برهم نهاده و در عالم خلسه فرو رفته بود . مریدی نزد آن جناب آمد و گفت خواب دیدم که زمستان است و در بزم نشاط یاران سرگرم قمار و مزاح و ظرافتم و ازدست ساقی مه لقا قدح باده می گیرم و می نوشم که الحق غذای روح است و شفا بخش همه دردها . ناگاه تو از در در آمدی و به مشاهده این حال مرا هزار بار نفرین کردی که همان دم زلزله ای در خانه افتاد و خانه مهبل به سحرائی تم یززع شد .

ای پیر تعبیر این رؤیا چیست ؟ پیر گفت درینجا که راه و رسم محبت از یاد برده و در عوض عبادت به فریفتن مردمان و تجاوت با این و آن پرداخته و مال خود را در راه ناحق به مصرف رسانده ای . زنهار شراب منوش که جانگزا تر از ثعاب دندان افعی است . پای بند تجابت و شجاعت و شرافت باش . بر دوستان حسادت مکن که حاصلی جز خجالت نخواهد داشت و گر نه چنانکه در خواب دیده ای روزگارت سیاه خواهد شد . مرید دست پیر را بوسید و با او وداع کرد و گفت دعا کن که دوران هجر کوتاه باشد . »

داستانی که شنیدید از خود ساخته و پرداخته ام ، نه به شیوه پیشینیان ، و چنانکه دیدید مشحون از لغاتی است که تلفظ غالب آنها در فارسی امروز تغییر یافته است اما من عمداً آنها را با همان تلفظ به اصطلاح اصیل و قدیم خواندم تا بدانید که تعصب و کهنه پرستی در هر چیز از جمله در مسأله زبان اگر مایه ریشخند و استهزاء نباشد ، موجب شگفتی و حیرت و لاقل نشانه فضل فروشی خواهد بود .

موضوع مقاله بنده بحث درباره علل و اسباب دگرگونی و تحول تلفظ لغات هر زبان عموماً و لغات زبان فارسی بالاخص نیست . این کاربرد عهده زبانشناس است و من فقط می خواهم که به عنوان یکی از طلاب زبان و ادب فارسی نتیجه مطالعه کلی وسیعی را که درباره تلفظ امروزی لغات فارسی به عمل آورده ام در معرض بحث و نقد دانش پژوهان قرار دهم .

من از سالها پیش در ضمن تدریس زبان و ادبیات فارسی و گفتگو با همکاران و دوستان ادیب متوجه شده بودم که گروهی از آنان با آنکه از کودکی با نام داروین و قانون تحول و تکامل آشنا شده اند و تردید ندارند که در این جهان هیچ موجود زنده (اورگانیک) نیست که مشمول قانون تکامل نباشد و با اینکه می‌دانند که زبان و آنچه بدان وابسته است نیز چون از پدیده‌های اجتماعی است ناچار دستخوش تغییر و تحول است، آری می‌دیدم که این ادیبان با وجود آگاهی کامل بدین حقایق باز منکر تحول و دگرگونی تلفظ لغات فارسی‌اند. چنانکه اگر کسی بخصوص در حین مکالمه با ایشان فرضاً شجاعت را با ضم اول و عطر را با فتح اول تلفظ کند بی‌درنگ در مقام اعتراض برمی‌آیند و از مآخذ و مراجع عربی شاهد و مثال می‌آورند و حال آنکه در خود زبان تازی گذشته از اینکه بسیاری از لغات دو، حتی سه‌گونه تلفظ می‌شود و کتابها در این باره پرداخته‌اند، تقریباً تمام واژه‌هایی که از دیگر زبانها وارد تازی شده است یعنی به اصطلاح لغات معرب و دخیل تلفظی یافته است غیر از تلفظ معمول در زبان اصلی و اساساً اصطلاح «معرب» حاکی از این پدیده خاص عربی‌است. عرب با معرب کردن فلان لغت خارجی نه فقط تلفظ آنرا تغییر می‌دهد، که در غالب موارد کلمه را از صورت اصلی می‌گرداند و در واقع به مسخ و مثله آن می‌پردازد، چنانکه گاهی نمی‌توان اصل کلمه را از روی صورت معربش حدس زد.

اگر اصرار ادیبان «محافظة کار» ما محدود به مراعات تلفظ به اصطلاح «اصیل» لغات عربی‌الاصل، بود باز شاید چندان جای گفتگو نبود. اما متأسفانه این گروه در رعایت تلفظ واژه‌های فارسی سره به صورت قدیم و غیر متداول نیز اصرار می‌ورزند. دست‌کم به این نکته توجه ندارند که در نتیجه قانون تحول قرن‌ها است که تلفظ واو معدوله و یای مجهول از میان رفته و بسیاری از کلمات در فارسی به صورتی تلفظ شده است و می‌شود که اگر چه برخلاف ضبط فرهنگها و قوافی شاعران است هواداران تلفظ قدیم نیز ناگزیر به قبول آن تحت عنوان «غلط مشهور» یا «تلفظ معمول در تداول» تن در داده‌اند.

به علاوه، این گروه که اینهمه به کتابهای قدیم استناد می‌کنند از این مطلب بسیار مهم غافل‌اند که در قدیم‌ترین نسخه‌های خطی که کاتبان آنها را مشکول و معرب نوشته‌اند به بسیاری از کلمات برمی‌خوریم که تلفظشان به صورتی غیر از آنچه امروز متداول است و حتی در فرهنگها ضبط کرده‌اند نوشته شده است و از جمله در کتاب الابنیه عن حقایق الادویه (۱) تألیف ابو منصور موفق بن علی الهروی که تاریخ استنساخ آن ۴۴۷ هجری است -

«دوم را دُوم، سیم را سَیم، شش را شَش . . . بیاید را بُیاید، بشکند را بَشکند، لَطِبر را سَطِبر اعراب گذارده است و کلمات تَبش و چَرُبش . . . را به همین صورت که معرباً نوشته شده است اعراب کرده است.» و غالب این تلفظها با تلفظ معمول در لهجه

۱- به تصحیح استاد احمد بهمنیار و به کوشش حسین محبوبی اردکانی، مقدمه آقای محبوبی اردکانی، ص ۱۲. این کتاب را این جانب مجدداً تصحیح و با حواشی و تعلیقات و نیز شرح مفصلی که بر مفردات طبیبی کتاب نوشته‌ام برای چاپ آماده کرده‌ام.

مرکزی یا به اصطلاح فارسی استاندارد امروز تفاوت دارد. همچنین در کتاب ترجمه کلبه و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی (۱) که در تصحیح آن از نسخه های مکتوب در قرن ششم الی قرن هشتم استفاده شده است، اعراب پاره ای از آنها نشان می دهد که تلفظ آنها با تلفظ امروز فرق داشته است، چنانکه:

نمائی را ثَمائی، (۲) و به (حرف اضافه) را بَه (۳) و قدر (مقدار) را قَدْر (۴) و جوان را جَوَان (۵) و سوار را سُوار (۶) و چادر را چَادَر (۷) اعراب گذارده اند.

در میان دانشمندان ایرانی نخستین کسی که به شیوه علمی، اگر چه به طور ضمنی، به بحث درباره تلفظ لغات فارسی پرداخته، دانشمند بزرگ استاد دکتر محمد معین است که هنوز جامعه علم و ادب ایران از مرگ حیرت انگیزش سوگوار است. استاد در مقدمه فرهنگ فارسی خود که از شاهکارهای تحقیق در زبان فارسی به شمار می رود وعده داده است که در آینده یکی از سلسله فرهنگهایی که اقدام به طبع آن خواهد کرد « فرهنگ فارسی از لحاظ تلفظهای مختلف و تاریخ آنها » خواهد بود (۸). در جای دیگر از همان مقدمه وعده داده است که « فرهنگی خاص اغلاط مشهور و مصحف و محرف و لغات دساتیری ترتیب داده شده که امیدوار است بعداً به طبع آن اقدام شود » (۹) متأسفانه استاد عزیز ما چندان زنده نماند که به وعده خود وفا کند و این فرهنگها را به چاپ رساند، حتی چنانکه می دانید آخرین صفحات فرهنگ فارسی خود را نتوانست آماده چاپ کند و این کار را دکتر شهیدی به انجام رساند.

اینک به ذکر مطالبی از مقدمه فرهنگ فارسی معین می پردازم که مربوط به تلفظ لغات فارسی است و ارتباط کامل با بحث ما دارد.

استاد در باره تلفظ « لغاتی که از عربی یا زبانهای دیگر وارد فارسی شده و تلفظ دیگری گرفته » می نویسد: « در صورتی که اکثریت آن را پذیرفته باشند ملاک همان تلفظ فارسی است نه تلفظ اصل . . . بعضی لغات عربی تلفظی دارند که در فارسی تلفظ آنها عوض شده و حتی خواص ما هم تلفظ متداول را قبول کرده اند (صرف نظر از بعض مستعربان)، از آن جمله است زَنْبُور که در عربی به ضم ضاد (۱۰) و در فارسی به فتح اول گویند. همه مصادر هموزن «مفاعله» در عربی به فتح عین وها و در فارسی به کسر این سه حرف تلفظ شوند (مانند معالجه، مکاتبه . . .) ما تلفظ فارسی را ملاک قرار داده ایم و داخل پراکنش تلفظ عربی را

۱- انتشارات دانشگاه طهران، چاپ اول ۱۳۴۳. ۲- صفحه ۷۳ سطر ۵.

۳- ص ۷۵، ۱ س. ۴- ص ۷۵، ۱۸ س. ۵- ص ۷۹، ۲ س. ۶- ص ۸۸، ۲ س.

۷- ص ۱۳۸، ۱ س. ۸- صفحه ۴۷ و شش تا ۴۸ و هفت. ۹- صفحه پنجاه.

۱۰- در فرهنگ فارسی معین تلفظ کلمات با الفبای لاتین معمول در میان شرق شناسان

نشان داده شده است اما در این مقاله برای پرهیز از اشکالات چاپی تلفظ کلمات را با همین الفبای معمولی و با ذکر اعراب نشان داده ام و تنها در چند مورد از الفبای لاتین معمولی بهره جسته ام.

نقل کرده ایم ، (۱) .

نیز استاد معین درباره تغییر تلفظ کلماتی که از عربی وارد فارسی شده است نکاتی دقیق می نویسد که خلاصه آنها را در اینجا نقل می کنم :

« کلمات عربی مختموم به الف ممدوده در عربی با الف ممدوده . . . در فارسی معمولاً با الف مقصوره . . . استعمال می شوند (۲) . . . کلماتی که آخر آنها در عربی مشدد است ، در فارسی معمولاً مخفف آیند (۳) . . . بسیاری از لغاتی که در عربی با همزه مکسور آمده ، در فارسی (و گاه در عربی) همزه مزبور بصورت ی (مکسور) تلفظ و ضبط می شود ، (۴) از مسوارد دیگر اختلاف تلفظ که استاد به آن اشاره می کند یکی تلفظ دو صوتی ها (diphthong) است که دارای دو نوع تلفظ است « تلفظ قدیم و اصیل » و « صورت متأخر » . فی المثل کلمه اوزان بنا به صورت قدیم awzān و بنا به صورت متأخر owzān تلفظ می شود . (۵) همچنین کلمات مختموم به های غیر ملفوظ یا های بیان حرکت ماقبل به عقیده استاد در قدیم به صورت همزه مفتوح (a) تلفظ می گردد ، مانند ناه به فتح میم و ناه به کسر دیم . همین قاعده شامل حال کلمات عربی است مانند خاصه که در عربی به فتح صاد و در زبان فارسی استان دارد به کسر صاد تلفظ شود .

چنانکه پیش از این گذشت استاد معین ضمن بحث از تلفظ لغات عربی به « تلفظ متداول » اشاره کرده است و در جای دیگر از مقدمه درباره کلماتی که در فارسی به دو صورت تلفظ می شود چنین نوشته : « اگر کلمه ای به دو یا چند صورت تلفظ شود همه صورتها نقل خواهد شد ، (۶) ظاهر ا مقدمه فرهنگ فارسی معین جای آن نبوده است که مؤلف محقق به تعریف ، و شرح اصطلاحاتی از قبیل « غلط مشهور » و « تداول » (۷) پردازد . نیز به سابقه و چگونگی ضبط کلماتی که به دو یا چند صورت تلفظ می شود و ملاک و معیار این کار اشارتی نفرموده است . همین قدر در فرهنگ گرانقدرش می بینیم که در مواردی تلفظ يك لغت به دو یا چند صورت ضبط شده است و در موارد دیگر در مقابل پاره ای از واژه ها رمز « تد » که نشانه « تداول » است نوشته شده و در پاره ای از موارد نیز با آوردن رمز « ضح » به توضیح کلمه که مثلاً غلط مشهور است یا در قدیم چنان تلفظ می شده است و امروز چنین تلفظ می شود اکتفا رفته . باری همین نکاتی که استاد روانشاد به طور ضمنی درباره تحول تلفظ لغات فارسی مطرح کرده بسی پر ارزش و مغتنم است (۸) و لا اقل بطلان ادعای کسانی را که منکسر تحول تلفظ لغات

- ۱- فرهنگ فارسی معین ، مقدمه ، صفحه پنجاه و چهار الی پنجاه و پنج .
- ۲- مثلاً « ایما » بدون همزه در آخر و « ایما » با همزه در آخر ، ص پنجاه .
- ۳- مثلاً « حی » بدون تشدید در آخر و « حی » با تشدید در آخر ، ص پنجاه و هفت .
- ۴- مثلاً « حوائج » با همزه قبل از جیم و « حوایج » با یاء قبل از جیم ، ص پنجاه و هفت .
- ۵- ص پنجاه و پنج . ۶- مثلاً نهادن به کسر اول و نهادن به فتح اول ، ص پنجاه و چهار .
- ۷- در متن فرهنگ لغت تداول چنین تعریف شده است : « تکلم مردم ، جمع تداولات » .
- ۸- ناگفته نماند که استاد معین در حواشی خود بر برهان قاطع نیز گاهی به مقایسه تلفظ لغات به صورتی که در برهان ضبط شده و به صورتی که امروز در لهجه مرکزی ایران معمول است پرداخته و نکاتی سودمند در این باره نوشته است ، « مأخوذ از تازی » .

فارسی و قبول صورت های جدیداند به خوبی ثابت می کند .
 اما دستگاهی علمی و رسمی باید که این تحولات را تأیید و این تغییرات را تنفیذ کند و آن جز بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان زبان های ایران نتواند بود . و گرنه هیچ ادیب یا معلم زبان فارسی حقاً برای خود این صلاحیت را قائل نیست که فرضاً بگوید کلمه شجاعت را در فارسی امروز حتماً به ضم اول و عطر را به فتح اول باید تلفظ کرد . آموزگار دبستان ناچار است که به نوآموزان بگوید که در کلاس فارسی « چنین » را به ضم اول بخوانند اما در خارج از کلاس، هنگام مکالمه به کسر اول تلفظ کنند تا مورد استهزای دیگران واقع نشوند آیا همین نکته ایشان را مردد بار نمی آورد .

من سالها در طرز تلفظ مردم درس خوانده ساکن طهران که تحصیلاتشان بالاتر از حدود متوسطه بوده است دقت کرده و از میان یادداشتهائی که فراهم آورده ام تعداد ۱۸۸ واژه در اینجا می آورم (۱) که تلفظ آنها در زبان فارسی امروز با تلفظ قدیم تفاوت دارد. این ۱۸۸ لغت را چون با فرهنگ فارسی معین بسنجیم ۳۲ تا از آنها را در ضمن لغاتی سراغ خواهیم کرد که از نظر مؤلف دارای بیش از یک تلفظ است و ۵۴ تا از آنها را در ضمن لغاتی بازخواهیم یافت که با نشانه «تداول» ممتاز و مشخص است. به عبارت دیگر مرحوم دکتر معین بر روی هم تعداد ۸۶ لغت یعنی نیمی از ۱۸۸ لغتی را که در اینجا خواهم آورد هم با تلفظ قدیم ضبط کرده است و هم با تلفظ امروز . از این ۱۸۸ واژه ۱۲۹ لغت عربی و مابقی که ۵۹ واژه است فارسی است. در ۹۷ مورد فتحه به دیگر حرکات و در ۱۸ مورد ضمه به دیگر حرکات تبدیل یافته است. البته تعداد لغاتی که تلفظ آنها در فارسی امروز تغییر یافته و به صورتی غیر از صورت قدیم در آمده بسی بیشتر از این ۱۸۸ واژه است و من محض اختصار به همین مقدار بسنده کردم .

این وظیفه فرهنگستان زبان های ایران است که در باره تلفظ لغات فارسی به تحقیق دقیق و تتبع وسیع پردازد و با استقراء و استقصای کامل تکلیف تلفظ صدها لغت فارسی را روشن کند و فارسی زبانان را از سرگردانی در تلفظ آنها و نیز از شر تلفظ های غیر طبیعی و منسوخ که هر روز ناگزیر از سوی گویندگان رادیو و تلویزیون به شنوندگان تحمیل میشود بربھاند. در این صورت خواهیم توانست افسانه های را که در مقدمه این مقاله با رعایت تلفظ به اصطلاح اصیل و قدیم خواندیم بی هیچ بیم و نگرانی از ایراد و اعتراض ادیبان محافظه کار با تلفظ امروزی بخوانیم و در معرض انتقاد و احیاناً استهزای این و آن واقع نشویم .

